

هنر رهبری یک جمع ورزشی

رهبری شایسته یک جمعیت ورزشی خود یک هنر است. هنری که صاحب هنرش را با صفات ویژه ای از دیگران مشخص می کند. حصول این صفات ویژه نه خلق الساعه بلکه ریشه در اندیشه و خرد نقاد و همزاد با شخصیت مستقل و استوار فرد است. هنر مدیریت جمعی همانگونه که فطری نیست و کسی از مادر مدیرزاده نشده است، به همان گونه تزیینی و یا تلقینی نیز نمی باشد. تجربه و صداقت دو امتیاز مهم در کنار سایر خصوصیات بایسته یک راهبری جمعی است. عقل نقاد در کشاکش سعی و تلاش درس های تلخ و شیرین می آموزد و حاصل این آموزه ها یعنی تجربه را راه آورد توشه راه آینده میکند و از صداقت خویش نیز سرمایه اعتماد کسب نموده تا مقبولیت عام یابد.

کسب تجربه علاوه بر نیاز به آموختن دانش تئوریک این رشته که حاصل تجارب عینی و علمی دیگران است، لازمه درک صحیح آن قرار گرفتن در بستر دشواری ها و حضور در کنار بزرگان این رشته است. به قول سعدی شیرین سخن :

تا تسویرد بر نیاید بوی عود پخته داند این ستن باقام نیست

کارنامه ای که فاقد این تجارب باشد وقادر به تشخیص شرایط سخت کوهستان نباشد و در لحظه های دشوار و تنگناها ویژگی یک رهبری کاردان و توانمند را از خود بروز ندهد، چه بسا زندگی و جان هم نوردان خویش را در معرض مخاطره قرار دهد. نمونه جانگداز خامی و بی تجربه گری سرپرستی یک گروه در رشت در چند سال گذشته که با فاجعه مرگ دلخراش چهار کوهنورد همراه بود.

عنصر اساسی دیگر همانطور که اشاره شد صداقت است. تجلی صداقت در رهبری اعتقاد به منافع جمعی است نه حفظ موقعیت خویش به هر شکل و وسیله. یکسان دیدن منافع جمیع کوهنوردان و لحاظ کردن نگاه بیطرفانه به گروههای کوهنوردی از جمله تبلورات عنصر صداقت و عدالت است.

عنصر صداقت در عین حال در بطن خویش حامل خصلت شجاعت است. یک مدیر صادق در مواجهه با اندیشه یا عملکردی ناصواب و مغایر با منافع جمع در برابر آن شجاعانه قد علم میکند و قاطعانه حقایق را پی میگیرد ولو آنکه به کناره گیری یا عزلت منجر شود. سکوت بخاطر حفظ منزلت رسمی آفت اعتبار و اعتماد عمومی است. هنر دیگر رهبری بایسته جمعی اشاعه فرهنگ و اخلاق کوهنوردی به عنوان یک ارزش والا در بین کوهنوردی و ایجاد علفه و احترام و عشق و محبت بین جمیع هم نوردان است. ورزش کوهنوردی چون شالوده اش بر اساس رفاقت نه رقابت بنا شده است، پای بندی به مبانی فرهنگ و ارزش های اخلاقی جایگاهی رفیع در مناسبات بین کوهنوردان دارد.

بهاء بیش از اندازه به توانمندی فیزیکی جوان تیز پای تازه از راه رسیده و بی احترامی و غفلت از نقش بزرگان و پیش کسوتان این رشته که ساز و کار و راه دشوار این ورزش را هموار کرده اند، خطایی نابخشوده است.

که نام بزرگان نیکو برد بزرگش نتواند اهل فرد

هنر مدیریت جمعی که در ترکیب آن دو تا نسل سنی در کنار هم قرار میگیرند با مهرورزی خردمندانه کم کردن فاصله شکاف نسلی و ایجاد مفاهمه و رفاقت بین پدران و فرزندان است. این رفاقت تنها در بستر احترام متقابل تداوم می یابد و به ارزشی ماندگار تبدیل میشود. به سخن دیگر جوان برومند و پر غرور ما باید همواره به یاد داشته باشد « جوانان دیروز، پیران امروز و جوانان امروز، پیران فردا » و امروز خود هر چه بکارند فردا همان بدروند. لذا آن جوان باید بیاموزد :

« در خانه ای که بزرگ کوچک شود هیچ کوچکی نیز بزرگ نخواهد شد »

عنصر مهم دیگری که در هدایت یک جمع نقش بسزایی دارد، اقتدار و اتوریته فردی است. اقتدار به هیچ روی هم جنس استبداد نیست و در نقطه مقابل دموکراسی قرار نمیگیرد. بلکه باتکیه بر تیزبینی و رایزنی جمعی و علم بردرستی راه و روش خویش قاطعانه عمل کردن است. فقدان عنصر تجربه و صداقت و هم چنین ضعف کارا کتر فردی میتواند کسی را که می باید رهبر یک حرکت جمعی باشد، رهرو اهداف و منافع این و آن نماید و نظام سازمان یافته ای را به هرج و مرج و تلاشی بکشاند. مخلص کلام اینکه راهبری در فعالیت جمعی ورزشی به ویژه در شرایط توسعه روز افزون این ورزش محتاج خردمندی و صبوری است که در جوان طاق تحمل این صبوری اندک است و پیران نیز گاه در لبه پرتگاه حفظ موقعیت خویش به هر قیمت قرار میگیرند که پی آمد آن سقوط اعتماد عمومی است.

بنابر این جامه گرانقدر رهبری یک حرکت جمعی ورزشی برازنده قامت وزنی است که فقط چند خصلت از ویژگی های شخصیتی آن را بر شمردیم. مصداق های دیگر آن به ماند به وقتی دیگر که در این مجمل « مصلحت نیست که از پرده برون افتد راز ».